

تحلیل و بررسی رویکرد شیخ طوسی در تفسیر آیات «امامت» و «ولایت»*

روح‌الله شاکری زواردهی (نویسنده مسئول)**

محمدعلی مهدوی‌راد***

علی هابطی نژاد****

چکیده

اعتقاد به امامت منصوص و بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان شاخصه اصلی اعتقاد امامیه به شمار می‌رود و عالمان امامیه از دیرباز به تثبیت آن از مسیر تفسیر آیات توجه داشته‌اند. مسئله اصلی این پژوهش تحلیل و بررسی رویکرد شیخ طوسی در تفسیر آیات امامت و ولایت است که با مقایسه تفسیر شیخ با تفسیر همفکران وی در مکتب کلامی امامیه بغداد همچون سید مرتضی و شیخ مفید و نیز روش تفسیری سابق مفسران امامیه همچون قمی و عیاشی انجام پذیرفته است. برای رسیدن به این هدف با روش تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، همه آثار شیخ مطالعه و تفسیر وی از این آیات از جهاتی همچون جایگاه روایت در تعیین مراد از آیات، رویکرد تأویلی مبتنی بر روایات، نگاه تقریبی در استدلال‌ها و جایگاه اقوال مفسران در تفسیر شیخ تحلیل شده است. تفسیر شیخ طوسی از آیات ولایت و امامت را می‌توان تفسیری اجتهادی مبتنی بر فهم عقلایی از کلام وحی و با لحاظ تراث‌روایی امامیه و امتداد مکتب تفسیری امامیه بغداد دانست که با توجه به جایگاه ویژه موضوع امامت در مرزبندی مذاهب اسلامی تلاش دارد تا با رویکردی تعاملی در عین دفاع از مبانی قرآنی اندیشه امامت و لزوم نص برای تعیین ولی، زمینه طرح دیدگاه تفسیری شیعه و ارائه مبانی قرآنی امامیه در موضوع امامت را در محیط فکری جامعه اسلامی آن دوران فراهم کند.

کلید واژه‌ها: تفسیر، امامت، ولایت، آیات امامت و ولایت، شیخ طوسی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران. / shaker.r@ut.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران. / mahdavidrad@ut.ac.ir

**** دانشجوی دکتری گروه مدرسی معارف اسلامی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران /

ahnahnahn10@gmail.com

موضوع امامت و ولایت و اعتقاد به امامت منصوص و بلافضل امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان شاخصه اصلی اعتقاد امامیه در بین مذاهب اسلامی و محوری ترین اعتقاد شیعه بعد از توحید و نبوت به شمار می رود. با توجه به جایگاه بی بدیل قرآن کریم در بین مذاهب اسلامی، تمسک به آیات قرآن برای اثبات و یا رد مسائل کلامی از جمله مسائل حوزه امامت از ابتدا مورد توجه عالمان مذاهب اسلامی بوده است. عالمان امامیه نیز از دیرباز در مقام دفاع از این اعتقاد به ادله مختلف از جمله آیات قرآن کریم استدلال کرده و به تفسیر آیات مرتبط با امامت پرداخته اند. این تفسیر در دوران ابتدایی تدوین منابع امامیه و در تفاسیری همچون تفسیر فرات کوفی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی با محوریت روایات منقول از ائمه سامان یافت. کلینی نیز در باب «نُكْتُ وَ نُتْفُ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ» و چند باب دیگر از کتاب «الحججه» کافی به نقل روایات مرتبط با آیات پرداخته (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۱۲) و شیخ صدوق در «الاعتقادات» در مواردی اندکی همچون باب «الاعتقاد فی الظالمین» و باب «الاعتقاد فی العلویة» به برخی آیات اشاره دارد. (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۱۰۲ و ۱۱۱) در قرن پنجم با تحولات روش کلامی امامیه و گسترش رویکردهای عقلی و استدلالی و همچنین به تناسب فضای چند قطبی بغداد و ضرورت گفتگو بین مذاهب اسلامی، تفسیر این آیات نیز در آثار شیخ مفید و سید مرتضی با تفصیل بیشتر مورد توجه و تفسیر قرار گرفت و البته نقش روایات در تفسیر آیات بسیار کم فروغ گشت.

موضوع این پژوهش، تحلیل تفسیر شیخ طوسی از آیات امامت و ولایت به عنوان شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی و سومین عالم بزرگ مکتب امامیه بغداد در قرن پنجم بوده و مسئله اصلی آن پاسخ به این سؤالات است:

- محدوده آیات امامت و ولایت که مورد تفسیر شیخ قرار گرفته اند شامل چه آیاتی است؟

- این آیات در چند گونه قابل تحلیل هستند؟

- تفسیر شیخ از این آیات چه نسبتی با دیگر عالمان مکتب امامیه بغداد دارد؟

- نحوه به کارگیری و رویکرد شیخ در استفاده از روایات معصومین در تفسیر این آیات چگونه است؟

- روایات تأویلی در تفسیر شیخ چه کارکردی دارد؟

- رویکرد تقریبی و تبیینی و توجه به اقوال دیگر در تفسیر شیخ از این آیات چه جایگاهی دارد؟

پاسخ به این سؤالات می‌تواند رویکرد شیخ به تفسیر این آیات را نمایان سازد. اهمیت و ضرورت این پژوهش آن‌گاه هویدا می‌شود که با توجه به جایگاه ویژه امامت در منظومه اندیشه شیعه، این پژوهش نسبت به دیگر عالمان شاخص مکتب کلامی امامیه نیز محقق شود. تکمیل اجزای این چینه، می‌تواند استناد قرآنی اعتقاد محوری مذهب امامیه و توجه عالمان شیعه به آن را در درازنای تاریخ نشان داده و مسیر تطور و تکامل تفسیر این آیات را در سپهر پر فروغ کلام شیعه نمایان کند. از دیگر روی، ارائه پژوهش‌های متمرکز بر موضوعات این چنینی افزون بر بازشناسی مبادی مسئله بنیادین امامت، ابعاد روش تفسیری یکی از مهم‌ترین عالمان امامیه در طول تاریخ را نمایان می‌کند.

در این پژوهش با روش تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، همه آثار موجود از شیخ طوسی مطالعه و مورد تحلیل قرار گرفته و در این مسیر به تفسیر «التبیان» اکتفا نشده است. در این میان اثر ارزشمند ایشان در موضوع «امامت» با عنوان «تلخیص الشافی» اگر چه حاوی حجم قابل توجهی از تفسیر آیات امامت و ولایت بوده، اما به جهت انحصار آن در تهذیب و بازنویسی کتاب «الشافی» سید مرتضی، تفاسیر مطرح در آن را باید دیدگاه سید مرتضی دانست و در نتیجه از موضوع این پژوهش خارج خواهد بود. مقدمه شیخ بر کتاب (طوسی، ۱۳۸۲: ۱/ ۶۲) نشان می‌دهد که تلاش وی بر تلخیص و تبویب بوده و فقط به قدر نیاز تصرفاتی داشته است.

۱. پیشینه و نوآوری پژوهش

امامت پژوهی از جهت بحث از ادله قرآنی دلالت‌کننده بر امامت و ابعاد آن و یا از جهت نقد بر این ادله که پیشینه عام این پژوهش محسوب می‌شود، گستره وسیعی

را شامل می‌شود. آقابزرگ فهرستی افزون بر ۱۲۰ تک‌نگاره دانشمندان مسلمان درباره امامت را نام برده است. (طهرانی، ۱۴۰۳: ۲/۳۲۰-۳۴۴)

برخی از ابعاد موضوع تفسیر آیات امامت و ولایت نیز که پیشینه خاص این پژوهش بوده در بین کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی معاصر مورد توجه قرار گرفته است. میرحامد حسین در «عبقات الأنوار» ذیل عنوان «فی الآیات المستدلّ بها فی الإمامة» به بحث از این آیات پرداخته و آیت‌الله مکارم در «آیات ولایت در قرآن» و دکتر نجارزادگان در «بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت» با رویکردهای مختلفی به تفسیر این آیات پرداخته‌اند. از آثار متقدم نیز می‌توان از «آیات الأئمة» از میرمحمد النیاکی و «آیات الولاية» از میرزا ابی‌القاسم الشریفی نام برد. (طهرانی، ۱۴۰۳: ۱/۴۰-۴۹)

این آثار غالباً بر تبیین دلالت این آیات با ضمیمه روایات بر امامت اهل بیت و پاسخ به برخی شبهات تمرکز دارد. برخی از آثار همچون «آیات ولایت در تفسیر فخررازی» (ایمان‌دوست، ۱۳۹۵)، «نقد آراء ابن تیمیه در آیات ولایت» (اخوان‌مقدم، ۱۳۹۳) و «آیات امامت و ولایت در تفسیر المنار» (ساعدی، ۱۳۹۴) بر یک مفسر یا تفسیر خاص تمرکز داشته و برخی آثار همچون «بررسی تطبیقی آیات ولایت در دو تفسیر روایی نورالثقلین و الدرالمثور» (آریانی، ۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی متمرکز بوده و برخی مقالات همچون «آیه ولایت در تفسیر عامه» (مرتضوی، ۱۳۹۰: ۱۰-۲۱) و «تحلیل ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با عمده‌ترین آیات امامت» (غلامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷-۵۲) نیز بر یک آیه منحصر بوده‌اند و هیچ‌یک به تفسیر شیخ طوسی نپرداخته‌اند.

در این میان، مقاله «بررسی تطبیقی تفسیر کلامی آیات امامت در تفاسیر اثنی عشریه و زیدیه تا پایان دوره آل بویه» (اسماعیلی و نبی‌الهی، ۱۳۹۷: ۶۴-۸۰) نیز اگر چه به تفسیر تبیان هم توجه داشته است، اما منحصر به تحلیل ۵ آیه بوده و به طور جامع به این آیات در تفسیر شیخ طوسی نپرداخته و در نتیجه تاکنون هیچ پژوهش مستقلی با تمرکز بر تحلیل تفسیر آیات امامت و ولایت نزد شیخ طوسی و رویکرد وی تدوین نشده است. نوآوری این پژوهش در تمرکز بر تفسیر آیات امامت و ولایت نزد شیخ، وسعت بخشیدن به گستره این آیات (شمول آن بر نقد مبانی اهل

سنت در اثبات ولایت برای خلفا) و تحلیل رویکرد شیخ که جایگاه ویژه‌ای در تفسیر و کلام شیعه داشته و امتداد مکتب کلامی بغداد محسوب می‌شود قابل بیان است.

۲. اقسام آیات تفسیر شده در بحث امامت و ولایت

مراد از آیات امامت و ولایت، آیاتی بوده که برای اثبات حق ولایت به عنوان فصل‌میز تشیع یا بیان ویژگی‌ها و فضایل امامان مورد استناد قرار گرفته است. آیات مورد توجه شیخ طوسی را می‌توان در سه دسته زیر تقسیم کرد:

۲. ۱. اثبات بدون واسطه حق ولایت

دسته‌ای از آیات به طور مستقیم برای اثبات حق ولایت مورد استناد عالمان امامیه قرار گرفته است. از دیدگاه شیخ طوسی، آیه ۵۵ مانده از واضح‌ترین ادله قرآنی بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در کتب کلامی خود مورد استناد قرار داده (طوسی، ۱۳۶۲: ۳۷۲؛ طوسی، ۱۳۷۵ق: ۱۹۸؛ طوسی، ۱۴۱۴(ب): ۱۲۹) و در تبیان از آن به عنوان یکی از ادله واضح بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام نام برده است. (طوسی، بی‌تا: ۵۵۹/۳)

تمسک به این آیه و تفسیر ارائه شده از سوی شیخ در دیگر کتب وی تا حد زیادی مشابه استدلال ایشان در تبیان بوده که با تفسیر ارائه شده توسط سید مرتضی در الشافی نیز مشابهت داشته و می‌توان شیخ را در این جهت تابع استاد خود دانست. (طوسی، ۱۳۶۲: ۳۷۲؛ طوسی، ۱۳۷۵ق: ۱۹۸؛ طوسی، ۱۴۱۴(ب): ۱۲۹؛ همچنین ر.ک: طوسی، ۱۳۸۲: ۱۰-۴۵/۲؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۱۸-۲۴۸)

طوسی در تفسیر آیه ۵۹ نساء، مصداق اولی الامر را منحصر در ائمه می‌داند، زیرا آیه به شکل مطلق دستور به اطاعت داده و چنین نوعی از اطاعت فقط برای افراد دارای عصمت قابل قبول خواهد بود. (طوسی، بی‌تا: ۲۳۶/۳) آیه ۶۷ سوره مانده معروف به «آیه تبلیغ» را نیز می‌توان در این دسته یاد کرد. (طوسی، بی‌تا: ۵۸۷/۳- ۵۸۹)

۲.۲. اثبات حق ولایت با واسطه

استناد به فضیلت، یکی از مسیرهای استدلال بر امامت است که در تفسیر آیات ولایت نزد بزرگان مکتب کلامی امامیه بغداد مورد تحلیل قرار گرفته (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵ق: ۳۷؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۰۹) و در نتیجه آن هر دلیلی که بر افضل بودن شخصی دلالت داشته باشد می‌تواند دلیل بر امامت وی بوده و بین امامت و فضیلت ملازمه وجود دارد. (طوسی، ۱۳۸۲: ۳/ ۵) شیخ در آثار خود به قبح تقدیم مفضول بر فاضل تصریح دارد که ملازم با امامت فرد افضل بوده و فضیلت امام را از طریق ثبوت عصمت برای وی اثبات می‌کند، زیرا عصمت از اوصافی است که می‌تواند مصداق فضیلت شمرده شود. (طوسی، ۱۳۶۲: ۳۵۹-۳۶۴؛ طوسی، ۱۳۷۵ق: ۱۹۰)

با این توصیف، آیات دلالت کننده بر فضیلت اهل بیت نزد شیخ طوسی را می‌توان از مصادیق آیات امامت و ولایت دانست.

آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به «آیه مباهله» نیز از آیاتی است که به تصریح شیخ به عنوان مستند امامیه در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام بین اصحاب نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. (طوسی، بی تا: ۲/ ۴۸۴-۴۸۶)

شیخ در تفسیر آیه ۱۹ توبه که از مقایسه آب‌رسانی به حجاج و عمران مسجد الحرام با ایمان به خدا و معاد و جهاد و عدم یکسانی این دو نزد خداوند سخن گفته، این عدم تساوی را از جهت فضل دانسته و روایتی را مبنی بر نزول این آیه در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام و عباس نقل کرده است. (طوسی، بی تا، ج ۵: ۱۹۰-۱۹۱)

وی در تفسیر آیه ۴ سوره تحریم، به روایت امامیه و عامه در تطبیق «صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» بر امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته و تصریح می‌کند که این مطلب دلالت بر فضیلت ایشان نسبت به همه اصحاب دارد. (طوسی، بی تا: ۱۰/ ۴۸)

آیات سوره انسان نیز که به اطعام و ایثار جمعی از مومنین اشاره دارد از آیات فضیلت بوده (طوسی، بی تا: ۱۰/ ۲۱۱) و در موارد دیگر همچون آیه ۱۷۷ و ۲۷۴ بقره (طوسی، بی تا: ۲/ ۹۹ و ۳۵۸)، آیه ۵۴ مائده (طوسی، بی تا: ۳/ ۵۵۵)، آیه ۱۱۹ توبه (طوسی، بی تا، ج ۵: ۳۱۸) و آیه ۷ رعد (طوسی، بی تا، ج ۶: ۲۲۳) نیز به تطبیق آیه بر امیرالمؤمنین علیه السلام و اثبات فضیلت ایشان اشاره شده است.

آیه ۳۳ احزاب (آیه تطهیر) دلالت بر عصمت اهل بیت داشته که با ضمیمه اشتراط عصمت در امام و انحصار عصمت در اهل بیت می‌تواند به عنوان دلیل بر امامت شمرده شود. (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۳۳۹-۳۴۱) از موارد دیگری که شیخ از آیه استفاده عصمت کرده، آیه ۳۳ آل عمران است. (طوسی، بی‌تا: ۴۴۱/۲) علم نیز از مواردی است که لازمه امامت بوده و صاحب آن دارای فضیلت نسبت به فرد فاقد آن است. شیخ در تفسیر آیه ۴۳ رعد، «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را بر ائمه آل محمد ﷺ تطبیق کرده است. (طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۲۶۸)

۳.۲. نقد ادله خلافت خلفا

طوسی نیز مانند استاد خود سید مرتضی و شیخ مفید، در مقام دفاع از اعتقادات تشیع در کنار ارائه ادله ولایت اهل بیت، مستندات عامه برای خلافت و امامت خلفای سه‌گانه را نیز مورد نقد قرار داده و این نقد به شکل غیر مستقیم، اثبات‌کننده و ملازم امامت اهل بیت است.

دسته‌ای از این ادله به شکل مستقیم به اثبات امامت خلفای سه‌گانه پرداخته و دسته‌ای به واسطه اثبات فضیلت، در تکاپوی یافتن وجهی برای حق ولایت آنان می‌باشد. شیخ در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور، به استدلال جبائی بر امامت خلفا با استناد به این آیه اشاره و به نقد آن پرداخته است. (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۴۵۶-۴۵۷) وی در تفسیر آیه ۱۶ فتح به استدلال عامه به این آیات برای اثبات حقانیت امامت ابوبکر و همچنین اثبات فضیلت او اشاره کرده و به رد هر دو پرداخته است. (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۳۲۴-۳۲۶) از دیگر آیات ادعا شده برای اثبات فضیلت خلیفه اول، آیه ۴۰ توبه است که شیخ به رد آن پرداخته است. (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۳۲۱-۳۲۳) وی ذیل آیه ۱۰ سوره حدید به اجمال و بدون ذکر نامی به این نکته توجه داده که برای اثبات فضیلت فردی نمی‌توان از این آیه استفاده کرد. (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۵۲۳)

از مهم‌ترین مبانی اثبات حق ولایت برای خلفا نزد عامه، استناد به اجماع امت بر تعیین خلیفه است. شیخ در تفسیر آیه ۱۱۰ آل عمران (طوسی، بی‌تا: ۵۵۸/۲) و آیات ۵۹ و ۱۱۵ نساء (طوسی، بی‌تا: ۲۳۷/۳ و ۳۲۸) که مستمسک عامه در این موضوع بوده نیز به رد استدلال آنان پرداخته است.

۳. تحلیل و بررسی کیفیت تفسیر آیات

رویکرد شیخ طوسی در تفسیر آیات امامت و ولایت را می‌توان امتداد مسیر اساتید وی، شیخ مفید و سید مرتضی دانست. از مطالعه گستره آیات مطرح توسط شیخ طوسی می‌توان کیفیت استدلال و نوع تفسیر آیات امامت و ولایت را نزد شیخ، در ضمن محورهای زیر ارزیابی و تحلیل کرد که با مقایسه تفسیر او با سید مرتضی و شیخ مفید و همچنین تفاسیر سابق مفسران امامیه همچون تفسیر فرات کوفی، تفسیر قمی و تفسیر عیاشی محقق شده است.

۳. ۱. تثبیت و تکامل مکتب تفسیری امامیه بغداد

شیخ طوسی را در کنار استادانش شیخ مفید، سید رضی و سید مرتضی می‌توان مکتب تفسیری امامیه بغداد دانست. این مکتب تفسیری با توجه به جایگاه ویژه کلام در آن عصر ریشه در مبانی کلامی این دسته از عالمان امامیه داشته که متأثر از فضای چند قطبی بغداد و توجه ویژه به عقل در تحلیل آموزه‌های کلامی بوده است. (ر.ک: جبرئیلی، ۱۳۸۹؛ حسینی‌زاده خضرآباد، ۱۳۹۵) تفاسیر عالمان امامیه در قرن چهارم همچون تفسیر فرات کوفی، تفسیر قمی و تفسیر عیاشی همه بر محور روایات بوده و حجم اصلی آن را صرف نقل روایات تشکیل می‌دهد که در موضوع آیات امامت و ولایت نیز روایات فراوانی در تطبیق یا تأویل آیات نقل شده است. شیخ مفید گرچه اثر تفسیری جامع و مستقلی به یادگار نگذاشته اما در مجموعه آثار خود توجه ویژه‌ای به تفسیر آیات امامت و ولایت داشته و آیاتی همچون:

- آیه ۵۹ نساء (مفید، ۱۴۳۱ (الف): ۱۹۲؛ مفید، ۱۴۳۱ (و): ۱۲۸؛ مفید، ۱۴۳۱ (ج): ۴۶)؛

- آیه ۵۵ مائده (مفید، ۱۴۳۱ (الف): ۷۵؛ مفید، ۱۴۳۱ (ج): ۴۹)؛

- آیه ۱۱۹ توبه (مفید، ۱۴۳۱ (د): ۱۳۷؛ مفید، ۱۴۳۱ (ج): ۴۷)؛

و آیه ۶ احزاب (مفید، ۱۴۳۱ (د): ۱۷۰) را برای اثبات بدون واسطه حق ولایت

برای امیرالمؤمنین علیه السلام و آیاتی همچون:

- آیه مباهله (مفید، ۱۴۳۱ (ب): ۱۷۰)؛

- آیه لیلۃ المیت (مفید، ۱۴۳۱ (ب): ۵۱-۵۳)؛

- و آیه ۳۳ احزاب (مفید، ۱۴۳۱ (د): ۵۵) را با واسطه فضیلت ارائه کرده است.

سید مرتضی نیز در موسوعه گران سنگ خود، «الشافی» همین مسیر تفسیر کلامی آیات امامت را ادامه داده است. (برای نمونه ر.ک: شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۱/۱۹۳؛ ج ۲: ۲۱۷، ۲۴۹، ۲۵۸؛ ج ۳: ۵-۷۱، ۱۳۴؛ ج ۴: ۳۸)

تحلیل و بررسی:

با توجه به عدم ارائه تفسیر جامعی از قرآن تا قبل از تبیان، تفسیر آیات امامت و سبک تفسیری امامیه در این دوره را باید در آثار کلامی پیگیری کرد. شیخ طوسی در گام اول و در زمان حیات سید مرتضی (رضاداد، ۱۳۸۷: ۵۹) با تلخیص «الشافی» به تثبیت روش استدلالی سید مرتضی پرداخت که خود امتداد روش شیخ مفید در موضوع امامت بود. اهمیت این کار شیخ با شناخت جایگاه کتاب شافی نمایان می‌شود.

«شافی» مهم‌ترین اثر کلامی امامیه در قرن پنجم و در پاسخ به جلد بیستم کتاب «المغنی» قاضی عبدالجبار تألیف شده است که در دوران خود از بزرگان معتزله بود. (ابن المرتضی، ۱۴۰۷: ۱۱۲)

قاضی، بخش امامت این کتاب را در پاسخ به مطالب ابن‌راوندی، متکلم شیعی تدوین کرد که در «فضیحة المعتزله» به نقد مطالب ضد شیعه جاحظ معتزلی که در آثارش همچون «العثمانیه» و «فضیلة المعتزله» منعکس بود پرداخت.

«المغنی» جایگاه ویژه‌ای در بین اهل سنت و معتزله پیدا کرد و اگر چه آثاری همچون کتابی از ابن‌الولید زیدی در پاسخش ارائه شد، اما مهم‌ترین پاسخ از سوی علم الهدی ارائه شد. (محقق، بی‌تا: ۲۶۷-۲۷۱) ابوالحسن بصری (م. ۴۳۶ ق) «نقض الشافی» را در رد «الشافی» نوشت و سلار و کراچکی (طهرانی، ۱۴۰۳: ۱/۴؛ ۴۳۷؛ ۱۰/۱۷۹) هر یک در جواب به این نقد، ردیه‌ای تألیف کرده که از آن‌ها اثری نمانده (انصاری، ۱۳۹۸: ۷) و این همه نشان از محوریت شافی در این دوره است. تثبیت جایگاه شافی که با تلخیص شیخ از آن، محقق شد به معنای تثبیت مکتب تفسیری بغداد در تفسیر آیات امامت و ولایت است که در شافی می‌توان از آن سراغ

گرفت. وی سپس در دیگر کتب خود و همچنین در «تبیان» که اولین تفسیر جامع شیعه بوده و بعد از وفات سید تألیف شده است، روش تحلیلی اساتید خود در پرداخت قرآنی به موضوع امامت و اثبات حق ولایت را تکامل بخشید که ابعاد آن در محورهای بعد ارائه شده است.

۲.۳. توجه به لغت و کلام عرب

شیخ در تبیان برای تبیین دلالت آیه ۵۵ مانده بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام که آن را واضح‌ترین ادله قرآنی بر امامت می‌داند، در گام اول با ادله ادبی نشان می‌دهد که لغت «ولی» در معنای اولویت و احقیقت استفاده شده است. وی به شعر کُمیت و استعمال رایج تمسک کرده و روایت نبوی «أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحْتِ بِغَيْرِ إِذْنِ وَلِيِّهَا فَنَكَاحَهَا بَاطِلٌ» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۲۵۱)، آیه «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم: ۵۴) و کلام مُبرد را شاهد این معنا آورده است.

وی همچنین در بررسی شبهات مطرح شده در دلالت آیه، به اشکالی مبنی بر نفی حال بودن جمله «وَهُمْ رَاكِعُونَ» پرداخته و آن را به جهت مخالفت با کلام عرب رد می‌کند. اشکال دیگر، ادعای معنای خضوع برای رکوع بوده و شیخ با رد این ادعا، معنای اصلی رکوع را همان خم شدن خاص دانسته و به کلام صاحب العین و ابن درید و دو شعر از اشعار عرب استناد کرده است. (طوسی، بی تا: ۳/۵۵۹-۵۶۲)

استناد شیخ به کلام اهل لغت در تبیین وجه دلالت این آیه در دیگر کتب وی تا حد زیادی مشابه همین مطالب و شواهد است. (طوسی، ۱۳۶۲: ۳۷۲؛ همو، ۱۳۷۵ق: ۱۹۸؛ همو، ۱۴۱۴(ب): ۱۲۹)

شیخ در استدلال به آیه تطهیر با استناد به کلام اهل لغت همچون زجاج، «إِنَّمَا» در آیه را مشابه «لیس» دانسته و استدلال به آیه برای عصمت را بر این اساس سامان داده است. (طوسی، بی تا، ج ۸: ۳۴۰)

تحلیل و بررسی:

استدلال سید مرتضی در الشافی برای تبیین معنای «ولی» و «رکوع» و موارد دیگر مشابه طوسی بوده (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۷/۲-۲۱۹ و ۲۳۰-۲۳۱) که نشان از تأثیرپذیری شیخ از استاد خود است.

به طور کلی و فارغ از تفسیر آیات ولایت، رویکرد ادبی شیخ طوسی در تفسیر، در کنار برخی تفاوت‌ها، شباهت تنگاتنگی با رویکرد سید مرتضی داشته که در برخی پژوهش‌ها به طور مستقل به آن پرداخته شده است. (نفیسی و عماری، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

این رویکرد را باید رویکرد ادبی مکتب بغداد در تفسیر قرآن دانست که نقطه آغاز آن در محدوده آیات ولایت را می‌توان در آثار شیخ مفید دید که در گام بعد در کتب سید مرتضی با توجه به وسعت دانش ادبی وی با قدرت ادامه یافت.

در تفسیر قمی و تفسیر عیاشی تحلیل لغوی در این آیات دیده نمی‌شود. شیخ مفید افزون بر استدلال لغوی در تفسیر آیه ۵۵ مائده (مفید، ۱۴۳۱ (الف): ۷۵؛ مفید، ۱۴۳۱ (ج): ۴۹) بحث از معنای «مولی» را نیز به واسطه حدیث غدیر مورد توجه قرار داده و در دو رساله خود با عناوین «أقسام المولی فی اللسان» و «رسالة فی معنی المولی» به بحث ادبی پرداخته است.

شیخ طوسی هم از اشعار عرب همچون اشعار کُمیت استفاده کرده و هم از کتب لغت همچون العین بهره برده است که همه مکاتب در این رویکرد به شناخت معنای واژگان، هم‌داستان بوده‌اند. با این حال، باید گفت که در حوزه تفسیر آیات امامت، چه در تبیان و چه در دیگر آثار شیخ، تمرکز وی بر استفاده از داده‌های اساتید خود یعنی سیدمرتضی و شیخ مفید بوده است، اگر چه وی در پهنه وسیع تفسیر تبیان، قدرت ادبی خود و تسلطش بر زبان عرب را به خوبی نمایانده است. (ر.ک: نفیسی و عماری، ۱۳۹۳)

۳.۳. استفاده از روایات در تعیین شأن نزول و معنای آیات در تفسیر تبیان

شیخ در تعیین مراد از «اولی الامر» در آیه ۵۹ نساء بعد از ذکر دو قول از مفسرین عامه و تطبیق آن بر امراء و علما، قول امامیه را در قالب روایت اصحاب از امام علیه السلام

بیان می‌کند: «روی أصحابنا عن أبي جعفر و أبي عبد الله أنهم الأئمة». (طوسی، بی تا: ۲۳۶/۳)

این قول، مختار خود شیخ است، زیرا در ادامه به تثبیت آن از جهت معصوم بودن ائمه و نقد دو قول اول پرداخته است. او در تفسیر عبارت «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» در آیه ۳ مائده نیز بعد از ذکر دو قول از مفسرین عامه، به ذکر قول سوم در قالب مروی از صادقین اکتفا می‌کند: «روی عن أبي جعفر و أبي عبد الله أن الآية نزلت بعد أن نصب النبي علياً معلماً للامة». (طوسی، بی تا: ۴۳۵/۳)

شیخ در تبیین مراد از «ذَوِي الْقُرْبَى» در آیه ۱۷۷ بقره، ابتدا دیدگاه جبائی مبنی بر تفسیر آن به «خویشاوندان اعطا کننده» را به عنوان یک دیدگاه آورده و سپس قرابت نبی را به عنوان یک احتمال و بدون اظهار نظر خود مطرح و آن را قول ابی جعفر و ابی عبد الله دانسته است. (طوسی، بی تا: ۹۷/۲)

شیخ در تعیین مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در آیه ۴۳ رعد فقط به بیان سه قول در تعیین معنای آیه اشاره کرده و قول سوم را در قالب روایت ذکر کرده و هیچ تصریحی در ترجیح آن ندارد: «و قيل في معناه ثلاثة اقوال: ... و قال ابو جعفر و ابو عبد الله : هم ائمة آل محمد ﷺ». (طوسی، بی تا، ج: ۶: ۲۶۷)

وی در تعیین شأن نزول آیه ۲۷۴ سوره مبارکه بقره (الَّذِينَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ) نیز ابتدا دیدگاه ابن عباس بر نزول آیه در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان و سپس آن را مروی از صادقین دانسته است. (طوسی، بی تا: ۳۵۷/۲) در برخی از این موارد شیخ روایت را نقل کرده و در برخی فقط به بیان وجود روایت با عبارتی مشابه «هو قول ابی جعفر» اکتفا کرده است. (طوسی، بی تا: ۵۵۹/۳) شیخ در تعیین شأن نزول آیه ۳۳ احزاب چنین گفته است:

روی أبوسعید الخدری و انس بن مالك و عائشة و أم سلمة و وائلة بن الأسقع أن الآية نزلت في النبي و علي و فاطمة و الحسن و الحسين . (طوسی، بی تا، ج: ۸: ۳۳۹)

وی در «امالی» بیش از ده روایت در تعیین این شأن نزول آورده است که یکی از خدری (طوسی، ۱۴۱۴(الف): مجلس ۹، ح ۳۰) چند مورد از ام سلمه و برخی نیز از اهل بیت نقل شده است (طوسی، ۱۴۱۴(الف): مجلس ۳، ح ۴۷،

مجلس ۹، ح ۳۹، مجلس ۱۰، ح ۲۰ و ۴۰، مجلس ۱۳، ح ۳۴، مجلس ۲۰، ح ۴، ۸ و ۹، مجلس ۲۱ ح ۱، مجلس ۲۶، ح ۱۸) در حالی که در تبیان هیچ اشاره‌ای به این موارد منقول از اهل بیت نداشته و به کلام مذکور اکتفا کرده است. در روایات ذکر شده در «امالی» بر انحصار آن در خمسه آل عبا تصریح شده است.

تحلیل و بررسی:

اگر چه شیخ، تمسک به خبر واحد را در تفسیر فاقد حجیت می‌داند (طوسی، بی تا: ۱/ ۷-۹)، با این حال در تفسیر خود به ویژه در تعیین مراد از آیات امامت و ولایت و تبیین شأن نزول به روایات توجه ویژه دارد. توجه به سبک مواجهه شیخ با روایات در تفسیر ایشان، نشان می‌دهد که مراد او از نفی خبر واحد، آراء مفسرین عامه بوده (که در مواردی در قالب خبر نبوی مطرح بوده) و از روایات امامیه غفلت نورزیده است. (همان)

روش شیخ را می‌توان تعدیل روش شیخ مفید و سیدمرتضی دانست که در نقطه مقابل تفاسیر فرات کوفی، قمی و عیاشی قابل ارزیابی است. کوفی، قمی و عیاشی در تفاسیر خود ذیل آیات ولایت از روایاتی بهره جسته که به صراحت بیانگر دیدگاه امامیه در دفاع و اثبات حق ولایت اهل بیت است. کوفی و عیاشی به صرف نقل روایات اکتفا کرده و قمی افزوده‌هایی نیز دارد. این گونه استفاده از روایات در تفسیر آیات ولایت که منقول از خود اهل بیت و برای اثبات حق آنان بوده، با فضای شیعی و مخاطبین امامی تناسب داشته که برای کلام اهل بیت در تفسیر قرآن، حجیت و جایگاه ویژه قائل بوده و برای مخاطب غیر معتقد به حقانیت آنان کاربرد نداشته است.

در نقطه مقابل، شیخ مفید و سیدمرتضی به عنوان مهم‌ترین متکلمان امامیه قرن پنجم، در محیط متکثر بغداد و در آثار خود که در مقام دفاع از کیان اعتقادی امامیه و با توجه به مخاطب غیرامامی بوده، در ضمن تفسیر این آیات، به تحلیل دلالت آیات اکتفا کرده و از روایات تفسیری بهره ننجسته‌اند.

شیخ طوسی این نقیصه را جبران نموده و اگر چه از طرح روایات اهل بیت در تفسیر آیات ولایت غفلت نکرده است، اما با احتیاط به طرح آن‌ها در کنار اقوال رایج

تفسیری عامه پرداخته که هم از سوی اولین تفسیر جامع امامیه را بی بهره از روایات اهل بیت نکرده و از سوی دیگر، از شیوه رایج کتب تفسیری متداول عصر خود فاصله نگرفته است.

در این مورد اخیر، اگر چه خود در «امالی»، روایاتی از اهل بیت نقل کرده، اما در «تبیان» به دلیل وجود همین معنا از روایان مورد قبول عامه، به آن اکتفا کرده است. توضیح بیشتر و تحلیل علت این رویکرد در ادامه نیز خواهد آمد. این امر چنان که گفته خواهد شد، در مورد دسته دیگری از روایات که به بیان تأویل آیات تمرکز داشته، نیز صادق است. قابل ذکر اینکه، این سبک شیخ در به کارگیری روایات در تفاسیر قرن شش امامیه نیز دنبال شد. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۱۰۰ و ۳۲۵، همان: ۲۳/ ۵؛ رازی، ۱۴۰۸: ۵/ ۴۰۸)

۳. ۴. رویکرد تأویلی به آیات امامت و ولایت مبتنی بر روایات

در «امالی» شیخ طوسی دهها روایت در موضوع اهل بیت که دارای پیوند با آیات قرآن کریم بوده است نقل شده که برخی از آن با استناد به آیات بر اثبات فضیلت ایشان دلالت دارد (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۳، ح ۱۳، مجلس ۷، ح ۱۱، مجلس ۱۰، ح ۴۰، مجلس ۱۱، ح ۱۰، مجلس ۱۳، ح ۱۴، ۳۳ و ۶۱، مجلس ۳۰، ح ۷) و برخی دیگر به شکل مستقیم به موضوع ولایت پیوند خورده است.

شیخ در «امالی» روایتی نقل کرده که «سَلِّمْ» مطرح در آیه ۲۰۸ بقره بر ولایت علی علیه السلام تطبیق شده است: «جعفر بن محمد یقول فی قوله تعالی: اَدْخُلُوا فِی السَّلْمِ کَافَّةً قَالَ: فِی وِلَايَةِ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام، وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ قَالَ: لَا تَتَّبِعُوا غَيْرَهُ». (طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۱۱، ح ۳۸)

شیخ در «تبیان» با طرح دو قول در معنای «السَّلْم» یکی «اسلام» و دیگری «اطاعت»، هر دو را محتمل دانسته و سپس بدون ارائه الفاظ و متن روایت، روایت امامیه مبنی بر حمل آن بر ولایت را از مصادیق اطاعت شمرده که مراد وی از روایت امامیه، به احتمال همین روایت مذکور است. (طوسی، بی تا: ۲/ ۱۸۵)

در منابع دیگر امامیه، روایات در تطبیق این آیه بر ولایت ذکر شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۱۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۲؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۶۶؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۷۱) واضح است که در این مورد، اگر چه ظاهر روایت امکان تطبیق انحصاری بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را دارد، اما شیخ آیه را منحصر ندانسته و ولایت را از مصادیق «سلم» عنوان کرده است.

شیخ در «امالی» نسبت به آیه ۱۰۳ آل عمران از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «نحن الحبل». (طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۱۰ ح ۵۰) اگرچه این تطبیق در روایات دیگر امامیه نیز نقل شده است (کوفی، ۱۴۱۰: ۹۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۹۴)، اما شیخ در «تبیان» ذیل این آیه اشاره‌ای به این موضوع نداشته و فقط به دو قول در تعیین مراد از «حبل الله» (یکی کتاب الله و دیگری دین الله) اشاره کرده است. (طوسی، بی تا: ۲/ ۵۴۵)

عدم یادکرد از مضمون روایت «امالی» در تفسیر آیه در تبیان می‌تواند نشان دهد که از نظر شیخ، این روایت در مقام بیان مصداق انحصاری آیه نبوده و فقط به مصداقی از آن اشاره دارد. در صورت تطبیق انحصاری این آیه بر اهل بیت، آیه به روشنی دلالت بر لزوم تبعیت از آنان و نفی پیروی از غیر دارد.

همچنین وی در ارتباط با آیه ۵۴ نساء، دو روایت نقل کرده که در روایت اول، امام باقر علیه السلام در معنای مردمی که مورد حسادت قرار گرفته‌اند، چنین فرموده است: «نحن النَّاسُ».

در روایت دوم نیز همین مضمون از ابن عباس بیان شده است: «نحن النَّاسُ دون النَّاسِ». (طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۱۰، ح ۵۱ و ۵۲)

در روایات دیگر امامیه نیز این تطبیق مطرح شده (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۰۶؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۰۶) و در برخی تصریح به موضوع امامت و حسادت به این جهت آمده است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۴۶؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۰۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۴۰)

شیخ در «تبیان» ذیل این آیه چنین گفته که سه قول در معنای «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ»، گفته شده و شیخ به ذکر دو مورد آن اکتفا کرده است. در یک قول، مراد از «النَّاسِ»، عرب یعنی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش دانسته شده و در قول دیگر، نبی اکرم صلی الله علیه و آله دانسته شده که شیخ بعد از بیان این قول اضافه می‌کند که قول ابی جعفر علیه السلام

نیز همین بوده که «و آله» نیز توسط حضرت به آن افزوده شده است. شیخ در تبیان اشاره‌ای به روایات ذکر شده در «امالی» ندارد. (طوسی، بی تا: ۳/۲۲۸)

شیخ در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده که حضرت در مورد عبارت «کُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)

فرمود: «مع علی بن ابی طالب علیه السلام». (طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۹، ح ۵۴) شیخ در تبیان ذیل این آیه به ذکر برخی اقوال در تعیین مراد از «صادقین» پرداخته و گرچه در قولی به امام علی علیه السلام در کنار جعفر و حمزه به عنوان مصادیق آیه اشاره کرده است، اما از روایت فوق سخنی نگفته که می‌تواند دلالت داشته باشد که از نظر وی، این روایت به ذکر مصداقی از مصادیق پرداخته و دلالتی بر انحصار در این مصداق ندارد. (طوسی، بی تا: ۵/۳۱۸)

شیخ طوسی در مورد آیه ۱۶ نحل در «امالی» روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که «نجم» در این آیه را به نبی صلی الله علیه و آله و علامات را به ائمه تأویل نموده است: «فی قول الله عزوجل: وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ. قال: «النجم» رسول الله صلی الله علیه و آله و «العلامات»، الأئمة من بعده». (طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۶، ح ۲۳)

با توجه به معنای روشن «نجم» و «علامات» در کلام عرب و همچنین سیاق آیه که با همین معنا هم خوان بوده، این روایت در لایه معنای باطنی و تأویل آیات قرآن محسوب می‌شود. با این تأویل، موضوع در آیه بر ائمه صادق بوده و در نتیجه هدایت پذیرفتن از آن‌ها به روشنی دلالت بر حقانیت آنان در امر امامت و خلافت جامعه مسلمین دارد؛ شیخ در تبیان هیچ اشاره‌ای به این تأویل ندارد. (طوسی، بی تا: ۶/۳۶۷-۳۶۸)

شیخ در روایتی از مالک از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت، سؤال در آیه ۲۴ سوره صافات را سؤال از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دانستند:

إذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على جهنم لم يجز عليه إلا من معه جواز فيه ولاية علی بن ابی طالب و ذلك قوله تعالى: وَ قَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ یعنی عن ولاية علی بن ابی طالب. (طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۱۱، ح ۱۱؛ ر.ک: کوفی، ۱۴۱۰: ۳۵۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۶۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۵۹/۲)

با توجه به سیاق آیه و موضوع سؤال محشر، مورد سؤال باید امری اساسی بوده که مضمون روایت نیز این معنا را تأیید می‌کند و در نتیجه می‌توان از آن انحصار مورد سؤال در امر ولایت را فهمید. با این توضیح و تطبیق انحصاری سؤال در آیه بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، دلالت آیه بر وجوب و لزوم ولایت روشن خواهد بود.

شیخ ذیل تفسیر این آیه در «تبیان» اشاره‌ای به این تطبیق نداشته و سؤال را از تکالیف الهی و انجام طاعات و ترک معاصی معنا نموده که نشان از این دارد که از نظر وی، تطبیق مطرح شده در روایت فوق، از مصادیق تکالیف الهی بوده و انحصاری در آن ندارد. (طوسی، بی تا: ۸/ ۴۹۰)

در موردی مشابه، شیخ در روایتی دیگر از «امالی» از طریق امام رضا علیه السلام و دیگر ائمه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که صدق در آیه ۳۲ زمر را بر ولایت اهل بیت تطبیق کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۴ (الف): مجلس ۱۳، ح ۱۷)

شیخ در تبیان فقط به قول قتاده اشاره کرده که صدق را به قرآن معنا کرده است. (طوسی، بی تا: ۹/ ۲۶)

تحلیل و بررسی:

تأویل که بیش از ده بار در آیات قرآن از آن یاد شده، در حوزه علوم قرآنی معرکه آراء بوده و نظرات متعددی در تعریف آن ارائه شده است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۰۳) در روایتی از امام باقر علیه السلام «تأویل» و «بطن» قرآن یکی دانسته شده (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۶/۱) که نشان از ارتباط آن‌ها داشته و این همسانی در منابع عامه نیز دیده می‌شود. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲)

دلالت آیات در موضوع اهل بیت را می‌توان به دو سطح تقسیم کرد:

تفسیر یا ظاهر، تأویل یا باطن؛ منظور از سطح ظاهر، سطحی از معنای آیات است که هر شخص آگاه از زبان عربی و شیوه‌های عقلایی کشف معنا، بتواند مراد خداوند را از آیه بیابد. منظور از سطح بطون یا تأویل، معنای پوشیده و مبطن در آیات قرآن است که اگر چه مراد خداوند بوده، ولی در مرحله اول و با صرف دانستن کلام عرب نمی‌توان به آن دست یافت. (نجارزادگان، ۱۳۹۱:

نکته مهم در «تأویل»، برخورداری از ضابطه صحیح برای دستیابی به باطن بوده که مطمئن‌ترین راه با توجه به علم معصوم، استناد به روایات بوده، ازاین‌رو، روایات تأویلی فراوانی در تراش شیعی و تفاسیر سابق بر شیخ، همچون تفسیر قمی و عیاشی دیده می‌شود. این دسته از روایات در تفسیر مفید و سید مرتضی از آیات ولایت به چشم نمی‌خورد. در نگاهی کلی می‌توان رویکرد شیخ را در میانه تفاسیر روایی سابق و تفسیر اساتیدش شیخ مفید و سیدمرتضی دانست.

افزون بر برخی توجیهاط مطرح در موارد فوق، محدودیت نقل احادیث تأویلی در «امالی» و طرح بسیار محدودتر آن در تبیان و نادیده گرفتن روایتی را که خود در «امالی» نقل کرده است، می‌توان چنین تحلیل کرد که هدف اصلی شیخ در «تبیان»، ارائه تفسیری متناسب با مخاطب عمومی جهان اسلام بوده که غالب آن به تفکر غیر امامیه تعلق داشته است. زنده کردن نام «امامیه» و تفسیر شیعه در قالب اولین تفسیر جامع شیعه با توجه به فضای چند قطبی بغداد در قرن پنجم و جایگاه حساس شیعه که بعد در ماجرای آتش زدن کتابخانه شیخ و اجبار وی به ترک بغداد نمود یافت، زمینه طرح تفسیر آیات امامت و ولایت با تأکید بر اقوال رایج در میان مفسران اهل سنت و نمود کمتر دادن به بعد تأویلی را در «تبیان» فراهم نمود.

نقل روایات تأویلی بدون ارائه تبیین مقبول، اتهام غلو و تفسیر باطنی را که تفسیر امامیه با آن مواجه بوده است، نسبت به تفسیر شیخ نیز تقویت کرده و مانع از دیده شدن آن می‌شده است. تاریخ تألیف تبیان و املاء «امالی» نیز مؤید همین مطلب است، زیرا شیخ تبیان را بعد از وفات سیدمرتضی و در بغداد تألیف نموده و «امالی» را بعد از هجرت به نجف در سال‌های پایان عمر خود و در محیط یک‌دست نجف به اصحاب خود املاء نموده است. (رضاداد، ۱۳۸۷: ۶۳ و ۶۷)

۳.۵. رویکرد تقریبی در تفسیر آیات

همان‌طور که گذشت، شیخ در موارد متعددی فقط به بیان روایت ائمه در معنای آیه در کنار اقوال دیگر اهل سنت اکتفا کرده و تصریح به قول صحیح ندارد، درحالی‌که واضح است نقل کلام اهل بیت بدون نقد و ایراد به اسناد آن و یا بیان قول متفاوتی از معصومین در همان مورد، دلالت بر قول صحیح از دیدگاه او دارد.

شیخ در تفسیر آیه ۱۹ توبه، بعد از شرح مفاد آن و بدون تصریح به قول صحیح، بیان می‌کند که نزول این آیه در مورد امیرالمؤمنین و عباس از ابی جعفر و ابی‌عبدالله روایت شده است. (طوسی، بی تا: ۱۹۰/۵) وی در موارد متعددی، به تعیین قول صحیح تصریح نکرده و به صرف نقل دیدگاه امامیه با عبارت «اصحابنا» اکتفا کرده است. یکی از این موارد، استدلال به آیه مباهله برای اثبات افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام است. (طوسی، بی تا: ۴۸۵/۲)

وی در تبیین استدلال به آیه ۱۲۴ بقره و عبارت «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» بر شرط عصمت در امام و تفاوت و تمایز منزلت امامت و نبوت به همین سبک به بیان قول امامیه اکتفا کرده و فقط در ادامه از رساله خود «الفرق بین النبی و الامام» نام آورده است. (طوسی، بی تا: ۴۴۹/۱)

نقد شیخ بر دیدگاه‌های تفسیری اهل سنت در فضیلت‌سازی برای خلفا نیز نقدی ملایم است. وی بعد از تفسیر آیه ۴۰ سوره توبه، بدون هرگونه کنایه و یا بیانی که موجب واکنش مدعیان دلالت آیه بر فضل خلیفه اول باشد، به صرف عدم دلالت آیه بر فضیلت او اشاره کرده و دلایل خود را در عبارتی کوتاه ارائه می‌دهد:

و لیس فی الایة ما يدل علی تفضیل ابی بکر لأن قوله «ثانی اثنتین» مجرد الاخبار أن النبی صلی الله علیه و آله خرج و معه غیره، و كذلك قوله «إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ» خبر عن کونهما فيه، و قوله «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ» لا مدح فيه أيضاً.... (طوسی، بی تا: ۲۲۲/۵)

آنچه که رویکرد صرفاً علمی شیخ و تلاش وی برای عدم تهییج احساسات عامه را نشان می‌دهد تصریح خود او در نهایت این متن به عدم کنایه به ابوبکر و اکتفا به بحث علمی است: «فأین موضع الفضيلة للرجل لولا العناد، و لم نذكر هذا للطعن علی ابی بکر بل بینا أن الاستدلال بالایة علی الفضل غیر صحیح». (همان)

وی در تفسیر آیه ۱۰ حدید به صرف بیان عدم دلالت آیه بر فضیلت فرد مشخصی اکتفا کرده و نام از فردی نیاورده است. (طوسی، بی تا: ۵۲۳/۹) برخی مفسرین کهن اهل سنت این آیه را به خلفا تطبیق کرده‌اند. (سمرقندی، بی تا: ۴۰۳/۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۲۵)

شیخ در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور نیز تصریح به عدم اراده طعن به خلفا کرده است: «وان ذلك (نفی دلالت آیه بر امامت خلفا) لیس بطعن علی واحد منهم (خلفا مراد است) و انما المراد الممانعة من أن يكون فيها دلالة علی الامامة». (طوسی، بی تا: ۴۵۷/۷)

وی در در تفسیر آیه ۱۸ فتح و بعد از نقد دلالت آن بر فضیلت ابوبکر حتی تصریح دارد که منکر امکان اثبات فضیلت و یا امامت خلفا از غیر آیه نبوده و فقط مدعی عدم دلالت آیه بر ادعای مطرح شده می باشد:

الكلام فی هذه الآیة كالتی قبلها فی أنا إذا قلنا لا تدل علی إمامة الرجلین، لا نكون طاعنین علیهما، بل لا یمتنع أن یثبت فضلها و إمامتهما بدلیل غیر الآیة. (طوسی، بی تا: ۳۲۷/۹)

وی در ادامه نیز به این موضع اشاره دارد: «لیس إذا قلنا: أن الآیة لا تختص بالرجلین، كان طعنًا علیهما بل إذا حملناها علی العموم دخلا، و كل متابع مؤمن معهما، فكان ذلك أولى». (همان: ۳۲۹)

تحلیل و بررسی:

این مواضع از شیخ طوسی که در موارد دیگری نیز دیده می شود (ر.ک: طوسی، بی تا: ۲۲۳/۵) در کنار تأکید وی بر اعتقادات امامیه و جایگاه او به عنوان شیخ الطائفة و فرد اول امامیه دوران خود، نشان از رویکرد تقریبی وی در محیط اسلامی قرن پنجم بوده که متأثر از فضای خاص بغداد در قرن پنجم و حضور تفکرات مختلف فکری بوده است. واضح است که شیخ دلالت هیچ آیه ای بر حق امامت و خلافت خلفا را نخواهد پذیرفت، زیرا قبول این امر با مبانی مذهب امامیه که خود در دوره ای از قرن پنجم به عنوان فرد اول عالمان آن بوده در تضاد است. این کلمات و مقایسه آن با برخی عبارات تند امامیان معاصر وی (ر.ک: مفید، ۱۴۳۱(و): ۱۱۱ و ۱۱۸) نشان از آن دارد که وی تلاش داشته تا در محیطی علمی و به دور از هیاهوی مذهبی و سیاسی به تبیین مبانی قرآنی اعتقاد امامیه پرداخته و حقانیت آن را نشان دهد؛ امری که مهم ترین مانع آن، دیدگاه های افراطی و یا جدال های کور

بین طرفداران مذاهب بوده که در نهایت وی را مجبور به هجرت نمود. (طوسی، بی تا، مقدمه آقابرگ: ۵ و ۶)

۳.۶. رویکرد تبیینی در استدلال

در تفسیر «تبیان» رویکرد اصلی شیخ بر تبیین معنا و مراد آیات قرآن کریم تمرکز داشته و در تفسیر وی از آیات امامت و ولایت، رویکرد جدلی از وی مشاهده نمی‌شود. البته شیخ طوسی همچون شیخ مفید (مفید، ۱۴۳۱و: ۹۸-۱۰۰) در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور اگر چه دلالت ادعا شده برای این آیه توسط عامه مبنی بر تطبیق استخلاف بر معنای امامت را مردود می‌داند، اما در بیانی جدلی با قبول معنای ادعا شده نشان می‌دهد که این آیه دلالتی بر مطلوب آن‌ها ندارد. (طوسی، بی تا: ۴۵۷/۷)

قابل توجه است که شیخ در تلخیص الشافی به تبعیت از سید مرتضی در الشافی به این جهت اشاره نکرده است. (طوسی، ۱۳۸۲: ۳/۱۱۲؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۴۷/۴-۴۵)

تحلیل و بررسی:

روشن است که رویکرد جدلی در مباحث مذهبی باعث برانگیختن احساس مخالف بوده و کمتر به اقتناع او نسبت به حقانیت مجادله‌کننده می‌انجامد. کاربرد اصلی جدل در تقویت اعتقاد موافقین و بی‌تأثیر کردن اشکالات مخالفین در نظر موافقان است. بر همین اساس، شیخ برای ارائه تفسیر امامیه از این آیات، رویکرد تبیینی را برگزیده و به جدال نپرداخته است.

۳.۷. میزان توجه به اقوال دیگران

همان طور که گذشت شیخ در غالب موارد آراء شیعه در تفسیر آیات امامت و ولایت را با عنوان «اصحابنا» مورد اشاره قرار داده و رای خود را جداگانه ارائه نکرده است. همچنین اشاره‌ای به تفاوت‌ها و یا اختلاف بین عالمان امامیه نیز نداشته اما اقوال و آراء اهل سنت را مورد نقادی قرار داده است.

یکی از افرادی که شیخ به نقل آراء او توجه ویژه دارد، عالم اهل سنت ابوجعفر طبری و تفسیرش «جامع البیان» است. شیخ در مواردی که قصد نقل اقوال مفسرین را دارد به کلام طبری اشاره کرده و از او نام می‌آورد (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۳/۲۳۶ و ۵۵۹) و همچنین در مواردی از قول مختار طبری به طور ویژه یاد کرده (طوسی، بی‌تا: ۳/۴۳۵ و ۵۵۵) و در موارد متعدد برای نقل روایات از طریق طبری استفاده کرده است. (طوسی، بی‌تا: ۵/۴۶۱؛ همان: ۶/۲۲۳؛ همان: ۱۰/۹۸)

جبائی متکلم معتزلی از دیگر افرادی است که اقوالش مورد توجه شیخ بوده و در مقدمه «تبیان» از او یاد کرده (طوسی، بی‌تا: ۱/۱) و تفسیر او را تفسیری کلامی دانسته است. در تفسیر شیخ طوسی از آیات امامت و ولایت از دیدگاه‌های جبائی نیز نام آمده است. (طوسی، بی‌تا: ۲/۷، ۹۵، ۹۶ و ۹۷؛ همان: ۳/۲۲۸، ۲۳۶، ۴۳۵، ۵۵۹ و ۵۸۸؛ همان: ۵/۲۲۱، ۲۲۸ و ۴۶۰؛ همان: ۶/۲۲۳؛ همان: ۷/۲۳۲) از دیگر تفاسیر مورد توجه شیخ، تفسیر متکلم معتزلی ابوالقاسم بلخی (م. ۳۱۹) است که در برخی موارد به آراء منتخب او اشاره کرده است. (طوسی، بی‌تا: ۷/۲ و ۲۹۱؛ همان: ۳/۲۳۶، ۴۳۵ و ۵۸۹؛ همان: ۷/۲۳۳)

از دیگر تفاسیر مورد توجه شیخ می‌توان از تفسیر رمانی (م. ۳۸۴)، مفسر معتزلی نام آورد که شیخ طوسی در مقدمه تفسیرش از آن به نیکی یاد کرده (طوسی، بی‌تا: ۱/۲-۱) و در مواردی از تفسیر آیات ولایت از آرای وی نام آورده است. (طوسی، بی‌تا: ۷/۲ و ۹۷؛ همان: ۳/۵۵۹ و ۵۸۸؛ همان: ۵/۱۹۰ و ۴۶۱)

تحلیل و بررسی:

در تفسیر شیخ مفید از آیات امامت و ولایت، توجه به اقوال و آراء در قالب ذکر مکاتب همچون معتزله، حشویه، خوارج، اصحاب حدیث و مرجئه به چشم می‌خورد و از شخصیت‌ها و یا کتب آن‌ها کمتر یاد شده است. (مفید، ۱۴۳۱(د): ۵۴ و ۶۵-۵۹؛ مفید، ۱۴۳۱(و): ۹۱، ۱۱۷ و ۱۷۵)

سبک سید مرتضی در الشافی، طرح یک موضوع و سپس پرداخت تفصیلی به اشکالات و شبهات در قالب «قیل» و «قال» است. سید در این کتاب که با هدف

نقادی آرای قاضی عبدالجبار شکل یافته به مطالب مطرح شده در المغنی پاسخ گفته و کمتر شاهد نقل کلمات دیگران هستیم، مگر با هدف نقادی کلام قاضی. همه این‌ها نشان‌دهنده توجه مکتب کلامی بغداد در تفسیر آیات امامت و ولایت به پاسخگویی به شبهات بوده که نزد شیخ طوسی با گستردگی بیشتر و البته رویکرد تعاملی دنبال شده است. این رویکرد شیخ در همه تفسیر «تبیان» دیده می‌شود و اختصاصی به آیات امامت و ولایت ندارد. در مورد تبیان باید توجه داشت که شیخ برای ارائه تفسیر خود در محیط بغداد قرن ۵ و دیده شدن آن، نیازمند توجه به طرح اقوال مهم و نقادی آن‌ها و ارائه متنی در قالب متون تفسیری رایج در این دوران بوده است. تفاسیر شیعه قرن ششم همچون «مجمع البیان» و «روض الجنان» نیز در تفسیر آیات ولایت همین مسیر را ادامه داده و توجه ویژه به اقوال رایج دوران خود دارند.

نتیجه‌گیری

تفسیر شیخ طوسی از آیات ولایت و امامت را می‌توان تفسیری اجتهادی و استوار بر فهم عقلانی از کلام وحی و با توجه به میراث امامیه دانست که با توجه به جایگاه ویژه موضوع امامت در مرزبندی مذاهب اسلامی تلاش دارد تا با رویکردی تعاملی و استفاده از مبانی پذیرفته شده اندیشوران اسلامی، در عین دفاع از مبانی قرآنی اندیشه امامت و لزوم نص الهی برای تعیین ولی جامعه، زمینه طرح دیدگاه تفسیری شیعه را در محیط فکری جامعه اسلامی فراهم آورد.

تفسیر ایشان را باید امتداد مکتب تفسیری امامیه بغداد دانست که متأثر از فضای چند قطبی بغداد و همچنین محوریت عقل در تحلیل مسائل کلامی، روش تفسیری مفسران امامیه در قرن چهارم را که بر محور روایات و اکتفا به نقل سامان یافته بود، به سمت تفسیر اجتهادی متحول کرده است.

روش شیخ در تفسیر این آیات نسبت به عالمان امامیه بغداد نیز تحولاتی را به خود دید. شیخ مفید و سید مرتضی اگر چه در تطبیق از اخبار تاریخی استفاده جسته‌اند، اما کمتر به نقل روایات برای تعیین مصداق یا شأن نزول آیه پرداخته‌اند،

درحالی که شیخ در موارد متعدد به ذکر روایات معصومین برای تعیین شأن نزول پرداخته و همچنین به نقل روایات تأویلی هم در «امالی» خود و هم در تبیان توجه داشته است، اگر چه نسبت به تفاسیر روایی سابق بسیار محدودتر از این روایات یاد کرده و از بسیاری از روایات تأویلی موجود در منابع شیعی چشم پوشیده است. رویکرد تقریبی وی به تفسیر آیات امامت و ولایت و تبیین ملایم استدلال شیعه و نقد نرم مستندات اهل سنت که به طور طبیعی می‌توانست محلی برای نقد و جدل بی‌محابا نسبت به دیدگاه‌های اهل سنت باشد با ضمیمه تلاش وی برای رویکرد تبیینی و دوری از بیان جدلی و همچنین توجه گسترده و بها دادن به اقوال اهل سنت نشان‌دهنده تلاش وی برای ارائه مبانی قرآنی امامیه در موضوع امامت به جامعه علمی دوران خود و تثبیت روش تفسیری امامیه در قالب اولین تفسیر جامع شیعه است.



منابع و مأخذ:

- آریانی، احسانه (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی آیات ولایت در دو تفسیر روایی نورالثقلین و الدرالمنثور، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (پایان‌نامه ارشد).
- ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴)، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم: مدرسة الإمام المهدي .
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴)، إعتقادات الإمامية، قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۴۰۳)، معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن‌المرتضی، احمد بن یحیی (۱۴۰۷)، طبقات المعترزله، تحقیق سو سنّه دیفلد و قلز، بیروت: [بی‌نا].
- اخوان‌مقدم، زهره (۱۳۹۳)، نقد آراء ابن تیمیه در آیات ولایت، تهران: دانشکده علوم و فنون قرآن.
- اسماعیلی، مهران و ربابه نبی‌الهی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی تفسیر کلامی آیات امامت در تفاسیر اثنی عشریه و زیدیه تا پایان دوره آل بویه»، آینه معرفت، س ۱۸، ش ۵۴.
- انصاری، حسن و اشمیتکه، زابینه (۱۳۹۸)، «شیخ طوسی نگاشته های کلامی او و سنت تداول آن‌ها»، آینه پژوهش، س ۳۰، ش ۶.
- ایماندوست، علی اصغر (۱۳۹۵)، آیات ولایت در تفسیر فخررازی، قم: دلیل ما.
- جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۸۹)، سیر تطور کلام شیعه، دفتر دوم: از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی زاده خضراآباد، سید علی (۱۳۹۵)، تطوّرات کلام امامیه در مدرسه بغداد، قم: دار الحدیث.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رضا داد، علیّه و سید کاظم طباطبایی (۱۳۸۷)، «گاه شماری آثار شیخ طوسی»، مطالعات اسلامی، ش ۸۰.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ساعدی، محمد (۱۳۹۴)، آیات امامت و ولایت در تفسیر المنار، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی‌تا)، بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
- شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۰)، الشافی فی الإمامة، تحقیق عبدالزهراء حسینی، تهران: موسسه الصادق علیه السلام.

- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، قم: [بی‌نا].
- طباطبایی، سید حیدر (۱۳۸۷)، پژوهش تطبیقی در بطون قرآن، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، ابوجعفر محمد (۱۴۱۴) (الف)، الامالی، قم: دار الثقافة
- _____ (۱۳۸۲)، تلخیص الشافی، قم: موسسه انتشارات المحیین.
- _____ (۱۴۱۴) (ب)، المفصح (چاپ شده در ضمن الرسائل العشر)، قم: انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۷۵ق)، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، [بی‌جا]: نشر کتابخانه.
- _____ (۱۳۶۲)، تمهید الاصول فی علم الکلام، تصحیح عبدالمحسن مشکوه‌الدینی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- _____ (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قسیرعاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۳، تهران: المكتبة المرتضویة لآحیاء الآثار الجعفریة.
- الطهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۳)، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، بیروت: دار الأضواء.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة.
- غلامی، سید سجاد و همکاران (۱۳۹۶)، « تحلیل ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با عمده‌ترین آیات امامت»، دوره هشتم، ش ۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰)، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، تفسیر القمی، ج ۳، قم: دار الکتاب.
- مرتضوی، سید رضی (۱۳۹۰)، «آیه ولایت در تفسیر عامه»، مجله نیستان، س ۲، ش ۲.
- محقق، مهدی (بی تا)، «مقدمه ای بر تلخیص الشافی شیخ طوسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۷، ش ۳ و ۴.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۳۱) (الف)، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، قم: دارالمفید.
- _____ (۱۴۳۱) (ب)، الارشاد، قم: دارالمفید.
- _____ (۱۴۳۱) (ج)، المسائل العکبریه، قم: دارالمفید.
- _____ (۱۴۳۱) (د)، الفصول المختاره من العیون و المحاسن، قم: دارالمفید.
- _____ (۱۴۳۱) (و)، الإفصاح فی الإمامه، قم: دارالمفید.
- _____ (۱۴۳۱) (ز)، النکت الاعتقادیه، قم: دارالمفید.
- نجارزادگان، فتح الله (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نفیسی، شادی و زهرا عماری (۱۳۹۳)، «مبانی رویکرد ادبی در تفسیر سید مرتضی و شیخ طوسی با تکیه بر ال "امالی" و التبیان»، پژوهشهای ادبی قرآنی، س ۲، ش ۳.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱)، اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیه.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی